

مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۳ - شماره ۲۴ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

صفحات ۴۱۱ - ۴۳۸ (مقاله پژوهشی)

## قابلیت جبران ضرر اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی: مطالعه تطبیقی در حقوق قراردادهای تجاری بین المللی، فقه و حقوق ایران

روح الله مرادی / حسن بادینی / عباس کریمی / طیب افشار نیا

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۲

### چکیده

یکی از مصادیق خسارات قراردادی، خسارت اقتصادی صرف یا عدم النفع قراردادی می‌باشد. در حقوق کشورهای غربی، بر مبنای اصل لزوم جبران کامل خسارت و در راستای تحقق منافع متوقع و مورد اتکای متعهد له، حکم به جبران خسارات اقتصادی صرف داده می‌شود. اما در مقابل، قانونگذار ایران در تبصره ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی با تأسی از فقه، حکم به عدم قابلیت جبران عدم النفع داده است. با توجه به اطلاق این حکم می‌توان گفت عدم النفع قراردادی نیز مشمول این حکم است و قابل جبران نمی‌باشد؛ لکن به دلیل مخالفت این حکم با عرف و رویه تجاری بین المللی، در این مقاله سعی شده همگام با رویه مشابه در حقوق کشورهای غربی و قوانین بین المللی به تبیین لزوم قابلیت جبران خسارات اقتصادی قراردادی پرداخته و تفسیری موافق با آن از ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی ارائه شود؛ چراکه از نظر محقق این نوع خسارت به متعهد ناقض منتسب بوده و با عمل وی رابطه سببیت دارد و از اینرو ارکان مسئولیت در آن جمع بوده و از قابلیت جبران برخوردار می‌باشد.

**کلیدواژه:** ضرر اقتصادی، نقض تعهدات، قراردادهای تجاری بین المللی، خسارت تبعی.

---

— دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی (نویسنده مسئول)  
moradivakilatlaw@gmail.com

— دانشیار حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

— استاد حقوق خصوصی دانشگاه تهران، تهران، ایران

— استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد تهران غرب، تهران، ایران

## مقدمه

مسئولیت قراردادی به پاسخگویی متعهد به جبران خسارات ناشی از نقض تعهدات قراردادی خویش اطلاق می‌شود؛ این مسئولیت هنگامی موضوعیت پیدا می‌کند که تعهدات قراردادی، به عنوان اثر نخستین قراردادها، پس از تحقق به اجرا در نیاید. آن چه در این میان از اهمیت برخوردار است بحث از گستره مسئولیت قراردادی است تا روشن شود از میان انواع خسارات ناشی از عدم رعایت تعهد که ممکن است به متعهد له وارد آید، کدام یک از این خسارات از قابلیت جبران برخوردار می‌باشد، آیا تنها خسارات اصلی ناشی از نقض عهد قابلیت جبران دارد یا آن که خسارات تبعی نیز از قابلیت جبران برخوردار می‌باشد.

یکی از انواع خسارات ناشی از نقض تعهدات قراردادی که گاه با دیده انکار به آن نگاه می‌شود، خسارات تبعی است. خسارات تبعی به خساراتی اطلاق می‌شود که در نتیجه نقض تعهدات قراردادی و به واسطه دخالت امور و حوادث دیگر به متعهد له وارد می‌شود. این نوع خسارت، مصادیق متفاوت و متنوعی دارد که در مقام بیان یکی از مهم‌ترین مصداق آن می‌توان به عدم النفع قراردادی متعهد له اشاره کرد.

عدم نفع<sup>۱</sup> اصطلاحی است که بیشتر در حقوق ایران - که آن هم وام گرفته از فقه اسلامی است - مطرح می‌شود؛ معادل این اصطلاح در حقوق کشورهای غربی، خصوصاً انگلستان، خسارات اقتصادی صرف<sup>۲</sup> می‌باشد. منظور از خسارت اقتصادی صرف آن دسته از خسارات وارده به دارایی زیان‌دیده است که اگرچه دارای جنبه اقتصادی است اما در عالم خارج فاقد هر گونه منشأ مادی می‌باشد (بادینی، ۱۳۹۰: ۵۹؛ Gomez & Schafer, 2007:1) به این جهت در مقام تعریف آن از عبارت صرف استفاده می‌شود. در حقوق کشورهای غربی، همچون فرانسه و انگلستان و

1. Loss of Profits.

2. Pur Economic Loss.

آمریکا، در برخورد با خسارات اقتصادی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. در برخی از کشورها، همچون فرانسه، این خسارات را، چه از باب مسئولیت مدنی قهری و چه از باب مسئولیت مدنی قراردادی، قابل جبران می‌دانند. در حالی که در کشورهای دیگر، همچون انگلستان و آمریکا، جبران این خسارات را محدود به مسئولیت قراردادی دانسته و جز در موارد خاص این خسارات را از باب مسئولیت مدنی قهری قابل جبران نمی‌دانند (Parisi & Plamer & Bussani, 2007: 30).

به هر حال، وفاق کشورها در قابل جبران دانستن خسارات اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی سبب شد که در قوانین بین‌المللی، همچون کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، اصول اروپایی حقوق قراردادهای و سند مشترک بیع اروپایی، بر مبنای اصل لزوم جبران کامل خسارت و در راستای تحقق منافع متوقع و مورد اتکای متعهد له و اجرای سیاست اعاده وضعیت متعهد له به وضعیت مشابه زمان اجرای قرارداد، جبران این خسارات مورد پذیرش و تصریح قانونگذار قرار گیرد.

در نقطه مقابل، قانونگذار ایران برخورد متعارضی با جبران این خسارات داشته است؛ چراکه از یک سو شاهد آن هستیم که قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری عدم النفع ناشی از جرم را قابل جبران دانسته و از سوی دیگر، در قانون آیین دادرسی مدنی تصریح کرده که عدم النفع قابل جبران نیست. از آنجایی که دعوی مسئولیت قراردادی بایستی در چهارچوب قانون آیین دادرسی مدنی حل و فصل گردد و با عنایت به اطلاق حکم مذکور به نظر می‌آید در حقوق ایران خسارات اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی، قابل جبران نباشد.

از نگاه محقق، این وضعیت از چند جهت محل ایراد است؛ اولاً، این نظر برخلاف اصول حقوقی مسلم، همچون «اصل لزوم وفای به عهد» و «اصل لزوم جبران ضرر» و «اصل لزوم جبران کامل خسارت» است، ثانیاً، این نظر در تعارض آشکار با قوانین بین

المللی و مترقی جهان می‌باشد و از همه مهم تر آن که عرف تجاری جهانی نیز این نظر را به هیچ وجه بر نمی‌تابد. از اینرو، محقق نظر به تغییر این حکم و ارائه تفسیری موافق با قوانین و عرف تجاری جهانی از این موضوع دارد. فلذا سعی دارد در این نوشتار، ضمن بررسی مفهوم خسارات اقتصادی، به تبیین مبانی قابلیت جبران خسارات اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی و انطباق قوانین ایران با قوانین بین‌المللی پردازد.

## ۱- مفهوم و مصادیق خسارت اقتصادی

### ۱-۱- مفهوم خسارت اقتصادی و تمییز آن از مفاهیم مشابه

خسارت در لغت به معنای ضرر است و هر گونه آسیب و زیان وارده بر شخص را شامل می‌شود (معین، ۱۳۷۱: ۳۰۲۱/۲؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۷۶۷/۷؛ عمید، ۱۳۶۲: ۴۵۱). این معنا کم و بیش در حقوق نیز پذیرفته شده و بر طبق آن خسارت، به معنای هرگونه کسری، اعم از تلف یا نقصان، در اموال یا سرمایه معنوی اشخاص، می‌باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۰۰). حقوقدانان ضرر را بر حسب متعلق آن بر سه نوع: ضرر مالی، یا به تعبیر بعضی از حقوقدانان ضرر مادی، ضرر جسمی یا بدنی و ضرر معنوی تقسیم می‌کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۴۴/۱؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۰۰؛ داراب پور، ۱۳۸۷: ۹۸؛ قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۸۳؛ باریکلو، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۲؛ ره پیک، ۱۳۹۰: ۴۸).

برخلاف خسارات معنوی و بدنی، خسارات مالی هم می‌تواند ناشی از نقض قراردادهای پیمان‌ها باشد و هم می‌تواند ناشی از هر فعل زیانباری غیر از نقض تعهدات قراردادی باشد. در یک تقسیم بندی کلی، خسارات ناشی از نقض تعهدات قراردادی بر دو نوع خسارت اصلی و خسارت تبعی تقسیم می‌شود. منظور از خسارت اصلی، از دست رفتن ارزش مورد تعهد است که به واسطه نقض تعهد متعهد به متعهد له تحمیل شده است (بادینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۱)؛ اما در نقطه مقابل، خسارت

تبعی به خساراتی اطلاق می‌شوند که اگرچه به تبع و در اثر نقض تعهد متعهد ایجاد می‌شود اما گاهی امور، حوادث و وقایع دیگر نیز در تحقق آن نقش دارند.

خسارت تبعی مصادیق متعددی دارد اما در مقام بیان مهم ترین آن می‌توان به عدم النفع اقتصادی متعهد له اشاره کرد. عدم النفع، یا به تعبیر بعضی دیگر ضرر اقتصادی (Pure Economic Loss) از دست دادن سود و منفعت مورد توقع متعهد له است که بر حسب جریان عادی امور از اجرای موضوع تعهد قابل تحقق و وصول است اما به واسطه تخلف متعهد از ایفای تعهدات قراردادی از دست رفته است.

## ۲-۱- مصادیق خسارت اقتصادی

خسارات اقتصادی، مصادیق متعدد و متنوعی دارد. اگرچه تمام آنها در مالی بودن و غیر مادی بودن مشترک هستند اما از این حیث که منبع آنها چه می‌باشد، متفاوتند. در یک تقسیم بندی کلی، خسارت اقتصادی صرف یا می‌تواند ناشی از نقض تعهدات قراردادی باشد یا می‌تواند ناشی از فعل زیانباری غیر از نقض تعهد قراردادی محقق شود. به عنوان نمونه، هم متعهدی که به تعهد خود مبنی بر تهیه و تحویل مواد اولیه به متعهد له عمل ننموده و سبب شده که تولید وی کم و سودش کم تر شود و هم شخصی که با آتش زدن کارخانه زیان‌دیده سبب شده خط تولید وی متوقف شده و وی از تولید و فروش کالای خود باز بماند، هر دو مرتکب تحمیل خسارت اقتصادی به شخص زیان‌دیده شده اند لکن تفاوت این دو در منبع فعل زیانبار عامل زیان است؛ در اولی منبع فعل زیانبار، نقض تعهد قراردادی است ولی در دومی، عمل آتش زدن کارخانه می‌باشد.

خسارت اقتصادی قراردادی نیز صور مختلف و متنوعی دارد که از مهم ترین مصادیق آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- خسارت ناشی از تولید و عرضه‌ی کالا به واسطه عدم تحویل به موقع مواد اولیه خریداری شده توسط فروشنده که موجبات عدم تولید و فروش کالا فراهم آید؛

۲- خسارت ناشی از عدم استفاده درست و بهینه از کالای موضوع تعهد که به واسطه عدم رعایت تکلیف قراردادی متعهد به ارائه اطلاعات کافی از نحوه استفاده کالای مورد تعهد، به متعهد له وارد می آید؛

۳- خسارات ناشی از ایجاد مانع در امر تجارت متعهد له که به واسطه عدم ایفای تعهدات قراردادی بروز می یابد؛

۴- خسارات ناشی از ایراد لطمه به حیثیت و آبروی تجاری متعهد له که در نتیجه نقض تعهد متعهد ایجاد می شود (Gomez & Schafer, 2007: 2).

در حقوق مسئولیت قراردادی، جبران خسارات نوع اول و سوم کم و بیش مورد پذیرش قرار گرفته و کسی در قابلیت جبران آن تردید ندارد؛ زیرا انتساب این زیان ها به متعهد غیر قابل انکار است و حداقل جبران خسارات متعهد له، جبران این خسارات است. از اینرو، می بینیم که قانونگذار ایران در ماده ۳۸۶ قانون مدنی صراحتاً حکم به قابلیت جبران این دو نوع خسارات داده است؛ در این ماده می خوانیم: «اگر در دو ماده قبل معامله فسخ شود بایع باید علاوه بر ثمن مخارج معامله و مصارف متعارف را که مشتری نموده است بدهد.» لکن در خصوص جبران نوع دوم خسارات قراردادی میان نظام های حقوقی اختلاف نظر وجود دارد؛ به نحوی که بعضی به جهت انتساب این خسارات به متعهد ناقض آن را قابل جبران دانسته و بعضی دیگر، به جهت غیر مستقیم بودن، غیر قابل پیش بینی بودن و قطعی نبودن این خسارات برای متعهد، حکم به عدم قابلیت جبران آن دادند.

در حقوق کشورهای اروپایی، همچون انگلستان، امریکا، فرانسه و آلمان، قانونگذار حکم به قابلیت جبران خسارات اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی داده شده است. این امر سبب شده که در قوانین بین المللی نیز رویه مشابه مورد اتخاذ و پذیرش قانونگذار قرار گیرد. حال در اینجا این سؤال مطرح است که مبنای نظری قابلیت جبران این خسارات چیست؟ و آیا این دلایل و مبانی توانایی کنار زدن و ردّ

دلایل و مبانی مخالفان قابلیت جبران خسارت اقتصادی را دارد؟ در ادامه مطالب این مقاله و در گفتار دوم به تبیین این مبانی پرداخته می‌شود.

## ۲- مبانی نظری قابلیت جبران ضرر اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی

حقوقدانان دلایل و توجیهاات متعدد و متنوعی جهت قابل جبران دانستن دانستن خسارات تبعی ارائه نموده‌اند که در ذیل عنوان مبانی توجیھی مورد بحث قرار می‌گیرد. منظور از مبانی جبران پذیری خسارات اقتصادی، تبیین دلایل و توجیهاات عقلی و حقوقی جبران خسارات اقتصادی است.

از نگاه محقق، در کل مباحث حقوقی دو تئوری کلی حقوقی، که مورد تایید عقل نیز می‌باشد، وجود دارد که اثبات کننده قابلیت جبران خسارت تبعی است؛ یکی از این دو تئوری ناظر به اصل قرارداد و تعهدات قراردادی است و تئوری دیگر ناظر به مسئولیت قراردادی می‌باشد. تئوری مرتبط با اصل قرارداد و تعهدات قراردادی همان اصل لزوم وفای به عهد است و تئوری ناظر به مسئولیت قراردادی اصل لزوم جبران کامل خسارت می‌باشد. در ادامه مطالب این بخش به تبیین هر چه بیشتر این مبانی پرداخته می‌شود.

### ۲-۱- اصل لزوم وفای به عهد

یکی از اصول مسلم حقوقی حاکم بر حقوق معاملات و قراردادها، اصل لزوم وفای به عهد یا اصل التزام به قراردادها می‌باشد. مطابق با این اصل، بر متعاملین هر قراردادی لازم است که به مفاد قرارداد تنظیمی خود تا زمانی که قرارداد به شکل قانونی منحل نگردیده است، پایبند بوده و به مفاد آن عمل کنند (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۵۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۴۷/۱). قانونگذار ایران در این خصوص در ماده ۲۱۹ قانون مدنی اشعار می‌دارد: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها

لازم الاتباع است مگر این که به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.» علاوه بر حقوق ایران، در حقوق آلمان و حقوق فرانسه نیز این اصل کلی به رسمیت شناخته شده است. قانونگذار در ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه با تشبیه قرارداد به قانون، قرارداد را نسبت به اشخاصی که آن را منعقد نموده‌اند به منزله قانون دانسته و قدرت الزام قانون را بر قرارداد بار می‌نماید. در ماده ۲۴۱ قانون مدنی آلمان نیز خاصیت الزامی قرارداد به رسمیت شناخته شده است. در حقوق انگلستان منافع قراردادی بر دو نوع منافع انتظاری<sup>۱</sup> و منافع اتکایی<sup>۲</sup> تقسیم می‌شود. منافع انتظاری، به منافی اطلاق می‌شود که متعهد له انتظار دارد با انعقاد قرارداد به آن دست یابد؛ اما منافع اتکایی به منافی گفته می‌شود که متعهد له با اتکای به آن و برای کسب آن مبادرت به انعقاد قرارداد نموده و اگر تحقق این منافع نمی‌بود وی به هیچ وجه به انعقاد آن قرارداد مبادرت نمی‌ورزید (بادینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷-۸؛ صفری و شاهنوش فروشانی، ۱۳۹۴: ۴۷). برخلاف منافع انتظاری، که امری نوعی می‌باشد منافع اتکایی شخصی بوده و می‌تواند از شخصی به شخص دیگر متفاوت باشد؛ امری که سبب شده در قابلیت جبران فوت آن تشکیک شود.

بعضی از حقوقدانان، برای توجیه قابلیت جبران خسارات تبعی، به جای ذکر و تبیین مبنای حقوقی اصل لزوم وفای به عهد، به ذکر تئوری لزوم احترام به نفع متوقع<sup>۳</sup> و

1. Expectation Interest.

2. Reliance Interest.

۳. در مقام تبیین تئوری نفع متوقع باید گفت: بلاشک هر کس به منظور تحقق تمام یا بخشی از منافع مورد توقع خود مبادرت به انعقاد قرارداد می‌نماید؛ بر مبنای چنین نفعی است که وی تکالیفی را می‌پذیرد و بهایی می‌پردازد. با انعقاد قرارداد و اجرای این تعهدات خود وی انتظار دارد به تمام منافع مورد انتظار قراردادی خود برسد؛ بنابراین، در صورتی که به هر علتی متعهد له در راه نیل به این هدف ناکام بماند حقوق در راستای احترام به این انتظار مشروع باید سعی کند با اتخاذ مکانیزیمی وی را در وضعیت مشابه اجرای قرارداد قرار دهد. یکی از اقتضانات این امر، جبران منافی است که متعهد له به دلیل نقض تعهدات قراردادی متعهد از دست داده است.



نفع اتکایی<sup>۱</sup> قراردادی روی آوردند. اما از نگاه نگارندگان، این دو تئوری به نوعی برگردان همان تئوری اصل لزوم وفای به عهد است و به این دلیل یک نظریه مستقلی محسوب نمی شود؛ چراکه در توجیه هر دو این دو تئوری توجه و تکیه خاصی به اصل لزوم وفای به عهد شده است، به نحوی که جز با استناد و بهره گیری از اصل لزوم وفای به عهد اثبات این دو تئوری نیز ممکن نمی باشد. از اینرو، ما در این مقاله به جای ذکر این دو مبنا از مبناي لزوم وفای به عهد استفاده کرده ایم. با این حال، باید توجه داشت از آنجایی که این نظریه بیشتر به نفع قراردادی متعهد له پیوند دارد تا خسارت قراردادی وی، بدیهی است که پاره ایی از مصادیق خسارت تبعی، همچون صرف هزینه ها و لطمه به حسن شهرت تجاری، را نمی توان با طرح و پذیرش این دو نظریه توجیه کرد. از اینرو، از نگاه محقق یافتن مبانی توجیهی دیگر ضرورت دارد.

## ۲-۲- تئوری لزوم جبران کامل خسارت

از نگاه محقق، تئوری که می تواند در راه اثبات قابلیت جبران خسارات تبعی قراردادی به تئوری اصل لزوم وفای به عهد کمک کند، تئوری جبران کامل خسارت می باشد. بلاشک، مهم ترین هدف و کارکرد قواعد حقوق مسئولیت مدنی، جبران زیان وارده به شخص زیان دیده و احقاق حقوق وی می باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۵۶/۱؛ داراب پور، ۱۳۸۷: ۹۳؛ قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۱۱؛ یزدانیان، ۱۳۸۶: ۱۲۴؛ غمامی، ۱۳۸۴:

۱. به موجب نظریه نفع اتکایی، از آنجایی که اشخاص بر مبنای مصالح خود و به منظور تأمین نیازهای خویش مبادرت به انعقاد قرارداد می نمایند و هر یک از طرفین قرارداد با انعقاد قرارداد و با تکیه و اعتماد بر آن، انتظار کسب منافعی از قرارداد را دارد، حقوق نیز در راستای اصل لزوم وفای به عهد این انتظار را محترم شمرده و متعهد قراردادی را به ایفای تعهد ملزم می نماید. بدیهی است در صورت نقض تعهد از سوی متعهد حقوق نمی تواند نسبت به این امر بی تفاوت باشد؛ فلذا ضمانت اجراهای نقض تعهد را نیز باید در راستای حدود اتکایی باشد که متعهد له به قرارداد و متعهد نموده است. پذیرش اصل لزوم جبران کامل خسارات و قابل جبران دانستن خسارات تبعی به دلیل آن که متعهد له را در وضعیت مشابه وضعیت ایفای تعهد قرار می دهد، به ما در تحقق هر چه بیشتر نفع اتکایی متعهد له کمک شایانی می نماید (بادینی، ۱۳۹۵: ۷).

۲۶۲؛ بادینی، ۱۳۸۳: ۵۵؛ غمامی، ۱۳۷۶: ۱۲۰؛ در حقوق انگلستان رجوع کنید به: (Weir, 2004: 17; Briks, 2000: 410).

بنابراین، قواعد مسئولیت مدنی باید تا آنجا که ممکن است در راستای دفاع از حقوق زیان‌دیده و حمایت از منافع وی و جبران خسارات وارده به ایشان تنظیم و تنسيق یابد؛ یکی از اصول شناخته شده حاکم بر حقوق مسئولیت مدنی، که در همین راستا تنظیم و تدوین شده است، اصل لزوم جبران کامل خسارت<sup>۱</sup> می باشد. مطابق با این اصل، در مقام جبران خسارت ناشی از فعل زیانبار، زیان‌دیده باید دقیقاً معادل زبانی که از رهگذر عمل عامل زیان متحمل شده است را دریافت کند (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۳۱۸؛ بادینی، ۱۳۸۴: ۶۴)؛ تا این که تعادلی که به واسطه خسارت از میان رفته است بازگردد و زیان‌دیده در وضعیت پیش از زیان قرار گیرد.

هرچند که این اصل برای اولین بار در بحث مسئولیت مدنی قهری مطرح و مورد پذیرش قرار گرفت اما رفته رفته به جهت وجود شباهت‌های مبنایی میان مسئولیت مدنی قهری و قراردادی، این اصل در مسئولیت قراردادی نیز طرح و مورد پذیرش نظام‌های حقوقی و قانونگذاران قرار گرفت. این اصل در مسئولیت قراردادی اقتضاء دارد، کلیه خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی متعهد جبران گردد به نحوی که زبانی باقی نماند و متعهد له در همان وضعیتی قرار گیرد که اگر قرارداد اجر می شد در آن وضعیت قرار می گرفت (Stone, 2008: 565; Martin, 2002: 131). هرچند خاستگاه این اصل حقوق کامن‌لا می باشد (Martin, 2002: 131) اما به دلیل وجاهت عقلی و عرفی آن، ما شاهد آن هستیم که این اصل حقوقی به اکثر نظام‌های حقوقی راه یافته است.

آن چه تا کنون گفته شد مبنایی و توجیحات حقوقی قابلیت جبران خسارات اقتصادی بود. دیدیم که مقتضی پذیرش و اجرای اصل لزوم وفای به عهد و اصل

---

1. Full Compensation principle.

جبران کامل خسارت، ایجاب می‌کند که جبران خسارت متعهد له نباید صرفاً به گونه‌ای باشد که سعی شود آن چیزی را که متعهد له به موجب قرارداد از دست داده است، جبران شود؛ بلکه جبران خسارات قراردادی باید به گونه‌ای باشد که تمام آن چه که متعهد له از قرارداد به دست نیاورده است را پوشش دهد. جبران نوع نخست، محدود به صرف هزینه‌های صرف شده برای انعقاد قرارداد می‌شود، ولی جبران نوع دوم، پا را از آن فراتر گذاشته و جبران منافع مورد انتظار قراردادی متعهد له را نیز در برمی‌گیرد. از نگاه محقق، دلایل مخالفت حقوقدانان با قابلیت جبران پذیری خسارات اقتصادی صرف که عبارت است از: غیر مستقیم بودن خسارات اقتصادی، غیر قابل پیش‌بینی بودن و قطعی و حال نبودن خسارات اقتصادی، یا ایراداتی نادرست و یا ایراداتی هستند که تاب مقاومت و مقابله با دلایل موافقان قابلیت جبران پذیری خسارات اقتصادی را ندارند؛ چراکه اولاً، هم عقل و هم عرف به مستقیم بودن خسارات اقتصادی و قابل پیش‌بینی بودن این خسارات برای متعهد حکم می‌کند و ثانیاً، در حقوق مسئولیت مدنی امروزی دیگر کسی به لزوم قطعیت و فعلیت زیان اعتقادی ندارد، بلکه حصول احتمالی زیان، به شرط آن که عرفاً بر حسب جریان عادی امور قابل تحقق باشد و وقوع آن دور از انتظار و دسترس نباشد، کفایت می‌کند. از این روست، که امروزه ما شاهد آن هستیم که صرف برخورداری از شانس و فرصت ولو اندک و محتمل، مورد حمایت حقوق قرار گرفته و فوت آن می‌تواند در حد خود، موجبات مسئولیت تلف‌کننده آن را فراهم آورد.

### ۳- تحلیل قابلیت جبران خسارات اقتصادی در حقوق قراردادهای

#### تجاری بین‌المللی و حقوق قراردادهای ایران

##### ۳-۱- قابلیت جبران خسارات اقتصادی در حقوق قراردادهای تجاری

##### بین‌المللی

رویکرد موجود در عرصه حقوق تجارت بین الملل متأثر از رویکرد حقوق کشورهای اروپایی و غربی است؛ چراکه این قوانین عمدتاً ساخته دست این کشورها و برای تامین منافع و نیازهای مردمان این کشورها تدوین شده است؛ بنابراین، بدیهی است که این قوانین تبلوری از رویکرد حقوقی موجود در این کشورها باشد. به طور کلی، رویکرد کشورهای اروپایی در نحوه برخورد با خسارات اقتصادی را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود: در کشورهایی، همچون فرانسه، که در راستای پذیرش اصل جبران کامل خسارت، از نظام باز جبران خسارت تبعیت می‌کند، خسارات اقتصادی از قابلیت جبران برخوردار می‌باشند، صرف‌نظر از آن که منشأ این خسارات نقض تعهدات قراردادی باشد یا چیزی غیر از آن (بادینی، ۱۳۹۰: ۶۳؛ ره پیک، ۱۳۸۸: ۲۹؛ Parisi & Plamer & Bussani, 2007: 29-30)؛ اما در حقوق کشورهای دیگر، همچون آلمان و انگلیس، که از نظام بسته‌ی جبران خسارت بهره می‌برند، صرفاً خسارات اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی از قابلیت جبران برخوردار بوده و عدم النفع ناشی از فعل زیانبار دیگر، جز در موارد خاص و استثنایی، از قابلیت جبران برخوردار نمی‌باشد (بادینی، ۱۳۹۰: ۶۵؛ Plamer & bussani, 2007: 6). به عنوان نمونه، در حقوق انگلستان گفته می‌شود خسارات اقتصادی ناشی از شبه جرم تنها در مواردی قابل جبران است که در اثر فعل زیانبار عمدی تحقق یابد (Birks, 2000: 512). بنابراین، هرچند کشورهای اروپایی و غربی در نحوه برخورد با مقوله جبران خسارات اقتصادی از یک رویه تبعیت نمی‌کنند، اما در همه این کشورها جبران خسارات اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی در راستای احترام به اصل لزوم وفای به عهد و جبران کامل خسارت، مورد پذیرش قرار گرفته است.

تمایل و اقبال کشورهای مترقی، همچون انگلستان، آمریکا، آلمان و فرانسه به جبران پذیری خسارات اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی سبب شد که در عرصه بین المللی نیز عدم النفع قراردادی در زمره خسارات قابل جبران پذیرفته شود؛

به طوری که قانونگذار در کنوانسیون بیع بین المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین المللی، اصول اروپایی حقوق قراردادها و سند مشترک بیع اروپایی، در راستای اصل جبران کامل خسارت زیان‌دیده و در راستای اجرای سیاست اعاده وضعیت متعهد<sup>۱</sup> له به زمان اجرای قرارداد، حکم به قابلیت جبران عدم النفع قراردادی را صادر کرده است؛ با این تفاوت که در کنوانسیون بیع بین المللی کالا قانونگذار به صراحت و در اصول قراردادهای تجاری بین المللی، اصول اروپایی حقوق قراردادها و سند مشترک بیع اروپایی به طور ضمنی حکم به قابلیت جبران خسارات اقتصادی داده است.

در همین رابطه، قانونگذار در ماده ۷۴ کنوانسیون وین و در مقام تبیین خسارات قابل جبران اشعار می‌دارد: خسارت ناشی از نقض قرارداد توسط یکی از طرفین عبارت است از مبلغی معادل با زیان، همچون عدم النفع که طرف دیگر در نتیجه نقض قرارداد متحمل شده است.<sup>۱</sup> همچنین، قانونگذار در ماده ۲-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی اشعار می‌دارد: «۱- طرف زیان‌دیده به دلیل متحمل شدن صدمات ناشی از عدم اجرا مستحق دریافت غرامت کامل است. این صدمات هر گونه زیان وارده و هر گونه نفعی را شامل می‌شود که وی از آن محروم شده است...»<sup>۲</sup>

در ماده ۹-۵۰۲ اصول اروپایی حقوق قراردادها نیز می‌خوانیم: «مقدار کلی جبران خسارت آن مبلغی است که شخص زیان‌دیده را در وضعیت مشابهی که اگر قرارداد به طور کامل اجرا می‌شد قرار می‌گرفت، قرار دهد. چنین جبران خسارتی همه زیان‌هایی که زیان‌دیده متحمل شده است را پوشش می‌دهد و هر آن چه را که وی محروم

---

1. Damages for breach of contract by one party consist of a sum equal to the loss, including loss of profit, suffered by other party as a consequence of the breach.

2. The aggrieved party is entitled to full compensation for harm sustained as a result of the non-performance. Such harm includes both any loss which it suffered and any gain of which it was deprived, taking into account any gain to the aggrieved party resulting from its avoidance of cost or harm.

شده است اعطا می‌کند»<sup>۱</sup> یا در ماده ۱۶۰ سند مشترک بیع اروپایی آمده: «مقدار کلی خسارت برای زیان‌هایی که در اثر عدم اجرای یک تعهد وارد شده است تا آن حدّ است که طلبکار را در وضعیّت مشابهی که می‌توانست اگر تعهد به درستی انجام می‌شد در آن قرار گیرد قرار دهد یا در مواردی که این امر ممکن نیست تا آن حدّ که ممکن است طلبکار را در وضعیّت مشابه قرار دهد. چنین خساراتی تمام زیان‌هایی را که شخص طلبکار متحمل می‌شود پوشش می‌دهد.»<sup>۲</sup>

قانونگذار در این قوانین به تعیین شرایط و ضوابط خاصی برای قابلیت جبران خسارات اقتصادی نپرداخته، اما این امر هیچگاه به معنای آن نیست که این خسارات به طور کلی و تحت هر شرایطی از قابلیت جبران برخوردار می‌باشند، بلکه این خسارات نیز در چهارچوب مندرج در این قوانین قابل جبران می‌باشند. با نگاهی عمیق به اصول و قواعد مندرج در این قوانین، از نگاه محقق، شرایط قابلیت جبران خسارات اقتصادی را می‌توان در چهار مورد ذیل خلاصه کرد: ۱- خسارت اقتصادی باید مستقیماً از نقض تعهد قراردادی شخص متعهد ایجاد شود (Martin, 2002: 131; Stone, 2008: 566; Treitel, 2003: 965)؛ ۲- نقض تعهد از سوی متعهد باید غیر موجه باشد؛ ۳- خسارت اقتصادی باید عرفاً برای شخص متعهد قابل پیش‌بینی باشد (Plamer & bussani, 2007: 16)؛ ۴- حدوث خسارت اقتصادی باید عرفاً بعید

- 
1. The general measure of damages in such sum as will put the aggrieved party as nearly as possible into the position in which it would have been if the contract had been duly performed. Such damages cover the loss which the aggrieved party has suffered and the gain of which it has been deprived.
  2. the general measure of damages for loss caused by non-performance of an obligation is such sum as will put the creditor into the position in which the creditor would have been if the obligation had been duly performed or where that is not possible, as nearly as possible into that position. Such damages cover loss which the creditor has suffered and gain of which the creditor has been deprived.

و دور از انتظار نباشد (Martin, 2002:131; Stone, 2008: 566). در ادامه مطالب این بخش به توضیح و تبیین هر چه بیشتر این شروط پرداخته می‌شود.

مهم‌ترین شرط قابلیت جبران خسارات اقتصادی آن است که این خسارات عرفاً آنچنان بعید و دور از واقع نباشد که از پیش‌بینی متعهد خارج گردد؛ یا این که این خسارات عرفاً قابل تحقق و وصول باشد، نه آن که عرفاً محال و ناممکن به حساب آید؛ در غیر این صورت، قابل جبران نمی‌باشد (Parisi & Plamer & Bussani, 2007: 31). در خصوص شرط نخست در ماده ۷۴ کنوانسیون بیع بین المللی کالا می‌خوانیم: «خسارت ناشی از نقض قرارداد ... نمی‌تواند از زیانی که نقض کننده در زمان انعقاد قرارداد در پرتو امور و وقایعی که او نسبت به آنها آگاه بوده یا می‌بایست آگاهی می‌داشته است و به عنوان اثر احتمالی نقض قرارداد پیش بینی نموده یا می‌بایست پیش بینی می‌نموده است، فراتر رود»؛ یا در ماده ۴-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی آمده: «طرف مسئول عدم اجرای تعهد فقط مسئول صدمه ای است که در زمان انعقاد قرارداد آن را به عنوان صدمه ای که احتمال داشت از عدم اجرای تعهد از سوی او حاصل شود، پیش بینی کرده بود یا به طور متعارف می‌توانسته پیش بینی کرده باشد.»

همچنین در ماده ۹-۳-۵ اصول اروپایی حقوق قراردادهای می‌خوانیم: «شخصی که به تعهد خود عمل ننموده است تنها مسئول جبران خساراتی است که پیش بینی می‌کرده یا به طور معقول در هنگام انعقاد قرارداد به عنوان نتیجه عدم اجرای قرارداد، قابل پیش بینی بوده است»؛ یا در ماده ۱۶۱ سند مشترک بیع اروپایی آمده: «بدهکار، مسئول زیان‌هایی است که شخص بدهکار در زمان انعقاد قرارداد پیش بینی می‌کرده یا انتظار می‌رود پیش بینی کند که زیان در نتیجه عدم اجرای تعهد ایجاد خواهد شد.»

همچنین در خصوص لزوم رعایت شرط دوم در ماده ۳-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی آمده: «۱- قانوناً غرامت فقط برای صدمه ای، از جمله صدمات

آتی، در نظر گرفته می شود که با درجه ای متعارف و معقول از قطعیت تعیین می شود.»

شرط دیگر جبران خسارت اقتصادی آن است که اولاً، این خسارت ناشی از نقض تعهد متعهد بوده باشد و ثانیاً، نقض تعهد از سوی ایشان غیر موجه بوده باشد؛ بنابراین، در صورتی که متعهد بتواند ثابت کند که نقض تعهد ناشی از عامل یا عواملی بوده که یا منتسب به ایشان نبوده یا از حدود اختیارات وی خارج بوده است، نسبت به خسارات حاصله مسئولیتی نخواهد داشت. در این خصوص ماده ۱۶۲ سند مشترک بیع اروپایی اشعار می دارد: «بدهکار تا آن حدّ که زیان به عدم اجرای تعهد طلبکار یا نتایج حاصله از آن مرتبط می باشد مسئول زیان های وارده به شخص طلبکار می باشد؛» یا در ماده ۷۹ کنوانسیون بیع بین المللی کالا می خوانیم: «... چنان چه طرف قرارداد اثبات نماید که عدم ایفاء به سبب مانع خارج از کنترل وی بوده و نتوان به طور معقول از او انتظار داشت که در زمان انعقاد قرارداد مانع مزبور را مورد لحاظ قرار داده یا از آن اجتناب نموده یا بر آن یا آثار آن غلبه کند، مسئول عدم انجام تعهد خویش نخواهد بود.»

علاوه بر این، خسارت اقتصادی باید تماماً به شخص متعهد منتسب بوده باشد و عاملی دیگر، همچون عدم رعایت تکلیف قانونی متعهد له به کاستن از بار خسارت، سبب قطع رابطه سببیت میان نقض تعهد متعهد و خسارت اقتصادی نگردد؛ در غیر این صورت، این گونه خسارات تا حدّی که منتسب به متعهد له باشد از قابلیت جبران برخوردار نخواهد بود ( Martin, 2002: 131; Stone, 2008: 566; )

(Treitel, 2003: 976). در این خصوص، ماده ۷۷ کنوانسیون بیع بین المللی کالا اشعار می دارد: «طرفی که به نقض قرارداد استناد می کند باید اقداماتی را که با ملاحظه ی اوضاع و احوال جهت تقلیل خسارت ناشی از نقض از جمله عدم النفع معقول است، انجام دهد.» در ادامه در ماده ۸۰ این کنوانسیون مقرر شده است: «طرف قرارداد نمی تواند به عدم ایفاء طرف مقابل تا حدّی که چنین عدم ایفاء ناشی از فعل یا ترک فعل



اوست استناد کند.» همچنین در ماده ۹-۵۰۴ اصول اروپایی حقوق قراردادها می - خوانیم: «شخص نقض کننده تعهد قراردادی مسئول زیان های تحمیلی به شخص زیان دیده که ناشی از مشارکت زیان دیده در عدم اجرای تعهد متعهد بوده یا در آن اثر گذار بوده است، نمی باشد»؛ از اینرو در ماده ۹-۵۰۵ این قانون پیش بینی شده: «۱- شخص نقض کننده تعهد قراردادی مسئول زیان های تحمیلی به شخص زیان دیده تا حدی که شخص زیان دیده می تواند با انجام اقدامات معقول آن را کاهش دهد نمی باشد» یا در ماده ۱۶۳ سند مشترک بیع اروپایی آمده: «۱- بدهکار تا آن حدی که طلبکار می تواند با انجام اقدامات معقول آن را کاهش دهد مسئول زیان وارده به طلبکار نیست.»

### ۲-۳- قابلیت جبران خسارات اقتصادی در فقه و حقوق ایران

در حقوق ایران، برخلاف تفویت منفعت، که فقها و حقوقدانان حکم به جبران آن داده اند<sup>۱</sup>، عدم النفع به دلیل مسلم الحصول نبودن، قابل جبران دانسته نشده است. در این خصوص، در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی می خوانیم: «خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست ...»؛ این در حالی است که قانونگذار در ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۵، ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۳، فوت منافع ممکن الحصول را قابل جبران دانسته است. هر چند عده ای این تعارض را ناشی از تفاوت مفهوم عدم النفع در دو قانون فوق دانسته اند، به نحوی که منظور قانون آئین دادرسی کیفری از عدم النفع را عدم النفع حتمی الحصول و منظور قانون آئین دادرسی مدنی را عدم النفع ممکن الحصول دانسته اند (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۱۸)، اما از نگاه نگارندگان، تعارض میان این دو قانون نه به واسطه تفاوت در مفهوم عدم النفع، بلکه به

---

۱. رجوع کنید به ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد ... اعم از اینکه عین باشد یا منفعت ...».

واسطه تفاوت در فعل زیانبار موجب ضرر عدم النفع می‌باشد؛ به نحوی که در قانون آئین دادرسی کیفری، که هدف قانونگذار مجازات هرچه بیشتر مجرم است، وی به جهت تقصیر کیفری مجرم و سوء نیت ایشان سعی در تحمیل حداکثری مسئولیت بر مجرم داشته و وی را مکلف به جبران عدم النفع می‌داند، در حالی که در قانون آئین دادرسی مدنی، که بحثی از تقصیر کیفری و مجازات نیست، قانونگذار ضرورتی به توسعه دامنه مسئولیت عامل زیان ندیده و عدم النفع را قابل جبران نمی‌داند. صرفنظر از این بحث و وجاهت آن، از آنجایی که دعاوی ناشی از نقض تعهدات قراردادی یک دعوی حقوقی است و دعاوی حقوقی بایستی مطابق با مواد قانون آیین دادرسی مدنی مورد رسیدگی قرار گیرد و چون در قانون مذکور عدم النفع به صورت حکمی مطلق قابل جبران دانسته نشده است باید گفت در حقوق ایران عدم النفع ناشی از نقض تعهدات قراردادی قابل مطالبه نمی‌باشد.

اختلاف موجود در قوانین، در نظر و آرای فقها نیز به چشم می‌خورد؛ هر چند فقها در مطالعات و آثار خویش در خصوص عدم النفع قراردادی بحث نکرده اند، اما پیرامون ضمان ناشی از عدم النفع تجاری در چند مصداق بحث مفصل انجام داده‌اند. یک نمونه از این مباحث، ضمان ناشی از حبس صانع و ممانعت از فروش کالا توسط تاجر می‌باشد که سبب شده فرد محبوس و صاحب کالا نتواند فعالیت اقتصادی کرده و از منافع متوقع خویش محروم می‌شود. در خصوص قابلیت یا عدم قابلیت این نوع خسارت، که از مصادیق عدم النفع تجاری است، میان فقها اختلاف افتاده است. بسیاری از فقهای امامیه حکم به عدم ضمان شخصی داده‌اند که مانع کسب و فروش مال دیگری و به تبع آن کسب سود و منفعت وی می‌شود؛ زیرا از نگاه ایشان مصداق فوق، نه از باب غضب است و نه از باب اتلاف تا قابل جبران باشد (محقق حلی، ۱۴۲۵؛ ۱۸۵/۲؛ کرکی، ۱۴۱۱؛ ۲۱۹/۶؛ نجفی، ۱۳۷۴؛ ۱۴/۳۷؛ خوانساری، ۱۴۰۵؛ ۱۹۱/۵؛ خوئی، ۱۴۲۴؛ ۱۴۶؛ خمینی، ۱۴۰۳؛ ۱۷۳). صاحب جواهر در اینباره می‌گوید: «پس

اگر کسی مانع شود تا دیگری مالش را نگهداری کند و آن مال تلف شود و یا شخصی کس دیگری را از فروش مالش منع کند و ارزش آن مال کاسته شود و مالش تلف شود آن شخص ضامن نمی باشد؛ زیرا اصل بر عدم تحقق غصب به دلیل عدم استیلاء می باشد» (نجفی، ۱۳۷۴: ۱۴/۳۷).

اما فقهای دیگر، به این دلیل که ظلم وارده به محبوس از مصادیق ضرر می باشد و به موجب قاعده لا ضرر نیز ورود هر گونه ضرری به دیگران نهی و جبران آن لازم می باشد، حکم به قابل جبران بودن این نوع خسارت داده اند (طباطبائی، ۱۴۲۲: ۲۵۵/۱۲؛ حسینی مراغی، ۱۴۲۵: ۲۶۰/۱؛ خوئی، ۱۴۲۴: ۱۴۶). مرحوم علامه حلی نیز ضمن بیان نظر مشهور فقها مبنی بر عدم قابل جبران بودن این گونه خسارت، احتمال جبران این نوع خسارت را از طریق دلیلی غیر غصب موجه می داند؛ وی در این خصوص در تذکره می گوید: «از آن چه گفته شد به دست می آید که غاصب نبودن شخص حابس دلیلی بر ضامن نبودن وی نیست؛ زیرا ضمان می تواند به غیر از غصب نیز محقق شود.» هرچند این اختلاف بیشتر ناظر به مسئولیت مدنی ناشی از عدم النفع است و ارتباط چندانی با ضمان ناشی از عدم النفع قراردادی ندارد، اما این عبارات منقول از فقها به راحتی گویای مخالفت آنها با قابلیت جبران عدم النفع می باشد.

اختلاف نظر فقها و تفاوت دیدگاه قانونگذار در دو قانون آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری در خصوص قابل جبران دانستن عدم النفع از حوزه نظر به حوزه عمل نیز کشیده شده است. در بعضی از آرای قضایی، مطالبه خسارت عدم النفع پذیرفته شده و حال آن که دیوان عالی کشور با قابل مطالبه دانستن این نوع خسارت مخالف است. در ذیل به یکی از اختلافات حاصله میان مراجع قضایی اشاره خواهد شد. شخصی دادخواستی به دادگاه حقوقی یک اصفهان تقدیم و طی آن با استناد به پرونده‌ی اجرای احکام کیفری، رسیدگی و صدور حکم محکومیت خواهان به پرداخت خسارت ناشی از ۱- سرقت هفتاد رأس گوسفند و ۲- ضرر و زیان ناشی از

هشت ماه دوندگی جهت یافتن خواننده و محرومیت از کار و حرفه اصلی خویش، ارائه می‌نماید. دادگاه پس از استماع شهادت شهود خواهان و ملاحظه نظریه کارشناسی حکم به محکومیت خواننده به پرداخت خسارت ناشی از دست رفتن هفتاد رأس گوسفند و ۲- مبلغی نیز جهت خسارت وارده بر خواهان از بابت هزینه های تجسس وی صادر می‌کند و در خصوص بخشی از ادعای خواهان مبنی بر محکومیت خواننده به پرداخت خسارت ناشی از محرومیت خواهان از کار و فعالیت خویش، حکم به براءت خواننده می‌دهد.

رأی از سوی محکوم علیه مورد اعتراض قرار گرفته و به دیوان عالی کشور ارجاع و در شعبه هشت حقوقی مورد رسیدگی قرار گرفته و در نهایت دیوان با این استدلال که هزینه های ناشی از تجسس و یافتن گوسفندان هیچ انطباقی با قانون مسئولیت مدنی ندارد و قابل مطالبه نمی‌باشد، این قسمت از رأی دادگاه بدوی را نقض و پرونده را به شعبه همعرض ارجاع می‌دهد. پرونده به شعبه سوم حقوقی یک اصفهان ارجاع و دادگاه ضمن صدور رأی حکم به محکومیت خواننده به پرداخت هزینه های تجسس خواهان و خسارات ناشی از محروم ماندن خواهان از انجام حرفه و کار خویش محکوم می‌نماید. محکوم علیه بار دیگر به رأی صادره اعتراض کرده و پرونده به هیأت عمومی دیوان عالی کشور ارجاع و این هیأت مبادرت به صدور رأی اصراری<sup>۱</sup> می‌نماید. دیوان عالی کشور در این رأی، حکم دادگاه بدوی مبنی بر محکومیت خواننده به پرداخت هزینه های ناشی از تجسس و محروم ماندن وی از حرفه و کار خویش را نادرست و مخدوش اعلام می‌کند.

همه این مطالب بیانگر آن است که در حقوق ایران، قابلیت جبران خسارات اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی با اقبال قابل توجهی روبرو نمی‌باشد زیرا نه تنها حکمی دال بر لزوم جبران اینگونه خسارات در قوانین وجود ندارد و بنابراین

۱. رأی اصراری شماره ۸ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۷۵/۴/۱۲.

دادرسی می تواند با اجرای اصل برائت ذمه متعهد حکم به عدم استحقاق متعهد له به دریافت خسارت اقتصادی را صادر نماید، بلکه تبصره ۲ ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، که قانون مرجع حلّ دعاوی قراردادی است، صریحاً حکم به عدم جواز مطالبه این نوع خسارت داده است، بنابراین صدور حکم به جواز مطالبه عدم النفع قراردادی، مصداق صدور حکم بر خلاف قوانین موجد حقّ است که می تواند موجبات نقض آن حکم در محاکم عالی را فراهم آورد. حال باید به این سؤال پاسخ داد که آیا این وضعیّت از لحاظ حقوقی قابل دفاع است یا آن که به جهت ناهمخوانی با رویه تجاری بین المللی باید آن را کنار گذاشت؟

از نگاه محقق، در جواب باید گفت: عدم قابلیت جبران خسارات اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی به هیچ وجه قابل دفاع نبوده و محکوم به ردّ است؛ چراکه نه تنها برخلاف اصل لزوم وفای به عهد و قاعده فقهی لاضرر است بلکه با رویه و عرف تجاری جهانی نیز در تعارض است و می تواند زمینه تحجّر عملی قانون ما را در جامعه جهانی فراهم آورد. بنابراین، در مقام تفسیر تبصره ۲ ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی باید دست به تفسیر مضیق زد و حکم آن را شامل عدم النفع قراردادی ندانست. علت خروج عدم النفع قراردادی از ذیل ماده ۵۲۲ نیز روشن است؛ چراکه در حقوق تجارت بین المللی، جبران خسارت اقتصادی به عنوان یک عرف مسلم مورد پذیرش قرار گرفته است؛ مطابق با ماده ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی، طرفین یک قرارداد علاوه بر تعهدات مورد توافق خود متعهد به تعهدات عرفی نیز می باشند، حتی اگر نسبت به آن توافقی نکرده باشند، زیرا پذیرش عرف به منزله تصریح آنان در قرارداد است. بنابراین، در امر جبران خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی، متعهد مکلف به حکم عرف و رویه تجاری است؛ از انجایی که عرف تجاری جبران خسارت اقتصادی را می پذیرد متعهد مکلف به جبران عدم النفع قراردادی می باشد.

حال ممکن است اشکال شود و گفته شود حکم عرف در مواردی قابل پذیرش و اجراست که مخالفتی با قانون نداشته باشد، در حالی که پیرامون عدم قابلیت جبران عدم النفع ما شاهد مقررّه قانونی هستیم که به طور مطلق حکم به عدم جواز مطالبه عدم النفع را داده است و این اطلاق شامل عدم النفع قراردادی نیز می‌شود؛ بنابراین، استدلال فوق از آنجایی که مصداق اجتهاد در مقابل نصّ می باشد محکوم به بطلان است. اما در جواب باید گفت: مخالفت عرف با قانون زمانی باعث از بین رفتن عرف و از کار افتادن آن می‌شود که آن قانون در زمره قوانین امری باشد و حال آن که جبران خسارت و مواد مرتبط با آن در زمره قواعد تکمیلی است که طرفین می‌توانند بر خلاف آن تراضی نمایند. از اینرو، قانونگذار در ماده ۲۳۰ قانون مدنی اشعار داشته: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متعهد مبلغی را به عنوان خسارت تأدیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آن چه که ملزم شده است محکوم کند.» بنابراین، خروج عدم النفع قراردادی از شمول تبصره ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی فاقد اشکال حقوقی است.

خلاصه مطلب آن که، از نگاه محقق با استدلالی که در فوق به آن پرداخته شد، حکم ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی به دلیل مخالفت با عرف تجاری، شامل عدم النفع قراردادی نمی‌شود. با این حال، محقق برای دفع و رفع هر گونه اشکال پیرامون این امر، ضمن اصرار بر اصلاح ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی، با پیشنهاد راهکار اندراج «شرط جبران خسارت اقتصادی» در قرارداد می‌کوشد تا هرگونه اشکال در این خصوص را مرتفع سازد، به نحوی که طرفین قرارداد در بندی از قرارداد خود بر لزوم جبران خسارات اقتصادی متعهد له تراضی نمایند. این شرط از آنجایی که مخالفتی با قوانین امری حقوق ایران ندارد منطبق با ماده ۲۳۰ قانون مدنی قابل پذیرش می‌باشد.

## نتیجه گیری

۱- یکی از مصادیق خسارت تبعی قراردادی، خسارت ناشی از فوت منافع قراردادی است که به آن اطلاق عدم النفع قراردادی یا خسارت اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی نیز می شود. در حقوق کشورهای فرانسه، آلمان، انگلیس و آمریکا و به تبع آن در قوانین تجاری بین المللی، همچون کنوانسیون بیع بین المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین المللی، اصول اروپایی حقوق قراردادها و سند مشترک بیع اروپایی، در راستای اصل لزوم وفای به عهد و اصل جبران کامل خسارت و در راستای سیاست اعاده وضعیت متعهد له به وضعیتی که اگر قرارداد به اجرا در می آمد متعهد له در آن وضعیت قرار می گرفت، حکم به قابلیت جبران عدم النفع قراردادی داده شده است.

۲- برای جبران عدم النفع قراردادی شرط است که: خسارت اقتصادی مستقیماً از نقض تعهد قراردادی متعهد ایجاد شود؛ نقض تعهد از سوی متعهد غیر موجه باشد؛ خسارت اقتصادی عرفاً برای شخص متعهد قابل پیش بینی باشد و حدوث خسارت اقتصادی عرفاً بعید و دور از انتظار نباشد.

۳- با عنایت به این که دعاوی ناشی از نقض تعهدات قراردادی یک دعوی حقوقی است و باید در چهارچوب قانون آئین دادرسی مدنی حل و فصل گردد و با توجه به اطلاق حکم قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، که عدم النفع را قابل مطالبه نمی داند، عدم النفع قراردادی در حقوق ایران قابل مطالبه نیست. لکن این نظر از آنجایی که برخلاف اصول حقوقی و عرف و رویه تجاری بین المللی است، محل ایراد است و باید اصلاح و تا آن زمان با ارائه تفسیری مناسب حکم به قابلیت جبران عدم النفع قراردادی داد.

۴- از نگاه محقق با توجه به این که عرف و رویه تجاری بین المللی حکم به قابلیت جبران عدم النفع قراردادی می دهد و با عنایت به این که مطابق با ماده ۲۲۰

قانون مدنی متعاملین قرارداد علاوه بر تعهدات ارادی ملزم به اجرای تعهدات عرفی حاکم بر قرارداد خود نیز می باشند و با امعان نظر به این که حکم قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۵۲۲ در زمره قوانین تکمیلی می باشد، باید گفت: عدم النفع قراردادی تخصصاً از حکم قانونگذار در ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی خارج بوده و از اینرو مطابق با قاعده فقهی لا ضرر و اصل لزوم جبران ضرر ناروا قابل جبران می باشد.

## منابع

- اصغری آقمشهدی، فخرالدین (۱۳۸۱)، خسارت عدم النفع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰، نامه مفید، ۲۹، ۷۷-۹۴.
- امیری قائم مقام، عبدالمجید (۱۳۸۵)، حقوق تعهدات، ج ۲، چ ۳، تهران: میزان.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۲۵ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۳، چ ۲، تهران: ارغوان دانش.
- بابایی، ایرج (۱۳۸۱)، شرایط خسارت قابل جبران، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- باختر، احمد (۱۳۸۸)، مجموعه آرای اصراری دیوان عالی کشور، چ ۲، تهران: جنگل.
- بادی، حسن (۱۳۸۲)، مبانی فلسفی تگرش اقتصادی به حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۶۲، ۹۱-۱۳۵.
- بادی، حسن (۱۳۸۳)، هدف مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۶۶، ۵۵-۱۱۳.
- بادی، حسن (۱۳۸۴)، فلسفه حقوق مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بادی، حسن (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی قابلیت جبران ضرر اقتصادی در مسئولیت مدنی، مجله فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱، ۵۹-۷۸.
- بادی، حسن (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از رقابت نامشروع تجاری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴، ۵۹-۷۸.
- بادی، حسن؛ تقی زاده، ابراهیم؛ علیدوستی شهرکی، ناصر؛ پناهی اصائلو، پانته آ (۱۳۹۵)، تأثیر اصل جبران کامل خسارت در شیوه های عینی و انتزاعی ارزیابی خسارت در بیع بین المللی کالا، پژوهش های حقوق تطبیقی، ۱، ۱-۲۱.



۴۳۵ \_\_\_\_\_ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۳ - شماره ۲۴ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

- بادینی، حسن؛ تقی‌زاده، ابراهیم؛ علیدوستی شهرکی، ناصر؛ پناهی اصائلو، پانته آ (۱۳۹۶)، **خسارت تبعی در بیع بین المللی کالا**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۷۹، ۹۹-۱۱۸.
- باریکلو، علی‌رضا (۱۳۸۵)، **مسئولیت مدنی**، تهران: میزان.
- برمینگهام، ورا (۱۳۸۸)، **شبه جرم و مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان**، ترجمه مهدی موسوی، تهران: میزان.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، **مسئولیت مدنی**، تهران: میزان.
- پروین، فرهاد (۱۳۸۲)، **خسارت معنوی در حقوق ایران**، تهران: ققنوس.
- تنکابنی، محمد (۱۳۸۲)، **تأسیسات در قواعد فقهی**، تهران: دار العلم آیه الله بهبهانی.
- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۲۵ق)، **العناوین**، ج ۱، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حمیتی واقف، احمد علی (۱۳۸۹)، **الزامات خارج از قرارداد**، تهران: جاودانه، جنگل.
- حیاتی، عباسعلی (۱۳۹۲)، **مسئولیت مدنی**، تهران: میزان.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۲۵ق)، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۲، چ ۲، تهران: دار التفسیر.
- خادم سربخش، مهدی (۱۳۹۴)، **نقد و بررسی اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در فقه اسلامی، حقوق ایران و حقوق انگلستان**، رساله دکتری در دوره روزانه دانشکده حقوق دانشگاه قم.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۴۰۳ق)، **تحریر الوسیله**، ج ۲، بیروت: دار الصراط المستقیم.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، **جامع المدارک فی شرح المختصر النافع**، ج ۵، قم: اسماعیلیان.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۴ق)، **منهاج الصالحین (المعاملات)**، چ ۱۳، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- داراب پور، مهرباب (۱۳۸۷)، **مسئولیت های خارج از قرارداد**، تهران: مجد.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، **لغت‌نامه دهخدا**، ج ۲ و ۷، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ره پیک، حسن (۱۳۹۰)، **حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها**، چ ۷، تهران: خرسندی.
- ره پیک، سیامک (۱۳۸۸)، **خسارت عدم النفع نظریات و مقررات**، دیدگاه های حقوقی، ۴۲، ۲۵-۳۶.

- ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵)، **اصول مسئولیت مدنی**، ترجمه: مجید ادیب، ج ۲، تهران: میزان.
- سلطانی نژاد، هدایت الله (۱۳۸۰)، **خسارت معنوی**، قم: نور الثقلین.
- شاهنوش فروشانی؛ محمد عبدالصالح؛ صفری، محسن (۱۳۹۴)، **ارزیابی خسارات ناشی از نقض قرارداد و ماهیت مسئولیت قراردادی**، پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت، ۴، ۷۹-۱۰۶.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۵)، **اصول قراردادها و تعهدات**، ج ۴، تهران: مجد.
- صفایی، حسین؛ رحیمی، حبیب الله (۱۳۸۹)، **مسئولیت مدنی**، تهران: سمت.
- طباطبائی (صاحب ریاض)، سید علی (۱۴۲۲ق)، **ریاض المسائل فی بیان الأحكام بالدلائل**، ج ۱۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۵ق)، **غایه المراد**، ج ۲، ج ۳، تهران: مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه.
- عمید، حسن (۱۳۶۲)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: امیرکبیر.
- غروی نائینی، میرزا محمدحسین (۱۴۳۳ق)، **منیبه الطالب فی حاشیه المکاسب**، تقریر: موسی نجفی خوانساری، ج ۳، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- غمامی، مجید (۱۳۸۴)، **ضرر جبران پذیر از دیدگاه رویه قضایی**، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۷۰، ۲۶۱-۲۷۶.
- غمامی، مجید (۱۳۷۶)، **مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود**، تهران: دادگستر.
- قاسم زاده، مرتضی (۱۳۸۸)، **الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد**، ج ۸، تهران: میزان.
- قسمتی تبریزی، علی (۱۳۹۴)، **اصل جبران کامل زیان**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳، ۱۳۵-۱۷۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، **الزامات خارج از قرارداد**، ج ۱، ج ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، **قواعد عمومی قراردادها**، ج ۳، ج ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاظمی، محمود (۱۳۸۰)، **نظریه از دست دادن فرصت در مسئولیت مدنی**، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۵۳، ۱۸۵-۲۲۸.
- کرکی (محقق)، علی بن حسین (۱۴۱۱ق). **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، ج ۶، بیروت: آل البيت لإحياء التراث.
- لوراسا، میشل (۱۳۷۵)، **حقوق مسئولیت مدنی**، ترجمه: محمد اشتری، تهران: حقوقدان.

- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، ج ۱ و ۳، چ ۲، تهران: امیرکبیر.
- مهمان نوازان، روح الله (۱۳۸۸)، خسارات قابل جبران در حقوق ایران، تهران: آثار اندیشه.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۳۷۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۳۷، چ ۱۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- وطنی، امیر؛ زمانی، قاسم؛ زنگنه شهرکی، جعفر (۱۳۹۴)، امکان جبران کامل خسارات در اصول قراردادهای تجاری بین المللی کالا و حقوق ایران، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۲، ۱۳۱-۱۶۴.
- یزدانیا، علیرضا (۱۳۸۶)، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تهران: میزان.
- Birks, ttt rr. (00)) . "Enll i Priaat Law", V. II, Oxford university press.
- CGttt Crrrrct" (1999). Vol. 1, Sweet & Maxwell, Twenty-Eighth edition.
- rrrr ,, Miaaall. (9999). "Tttt Law add Eooooomic", Vol. I, Second Edition. Gomez, Fernando & Hans-Brrdd fffff fr. ()))) ) "The Law ddd Eooooomic of uuee Ecmmmim Lss", International Review of Law and Economics, Vol. 27.
- Mrrti,, Il izttt .. (2222). "Oxfo Dictinnrr of Law", Oxford university press, Fifth edition.
- Parisi, Francesco & Vernon Valentine palmer & Mauro Bussani. (7777). "T Comeettt i law ddd Eooooomics of Peee Lsss,, International Review of Law and Economics, Vol. 27.
- aaamrr, Vrron Vll ett in & aa rro Bssaani, "Prr EmmmmimLss". (2007). Electronic Journal of Comperative Law, Vol. 113.
- eeeee Rihrrr.. (000). "T rrrrr rrLaw of Cnntcct", Cavendish, Seven edition.
- Treitel, Gnnntr. (3333). "The Law of Contcct", Sweet & Maxwell, Eleven edition.
- Hrrww,, , ivieeee. (3333). "M rrt Low", Cavandish Publishing, Fifth edition.
- aa rkssini,, BCC & FFF Daaki.. ()))) ) "Tttt Law", Oxford , Clarendon press ,third edition.
- Marksini, Basil & Hanns Unberat.. (2)))) . "The German Law of Tttt ", Hart Publishing.
- Ill iv,, , Jattt O & Jaaathnn Hillirrd. (00)) "Cttt rttt Law", Oxford University Press.

- Von Bar, Christian & Eric cline & Hans Schulte Nolke, (2009).  
“Principles, Definations and Rules of Eurpean Pritt Law”, Sellier  
European publishers.
- ee ir, yyyy. ()))) ) “A Ceee B Tttt”, Sweet & Maxwell,  
Tenth edition.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی